دیوید کارتر

آشنایی با نظریه‌های ادبی

ترجمه‌ی
فاطمه میرزا زاده

www.ketab.ir

پارسیک

سرشناسه : کارتر، دیوید
Carter, David
عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با نظریه‌های ادبی/ دیوید کارتر؛ ترجمه‌ی فاطمه میرزا زاده.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات پارسیکه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۱۹۶ ص.
شابک : ۱۲۰۰۰۰ ریال 978-600-94289-9-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت : عنوان اصلی: Literary theory, 2006.
یادداشت : کتاب حاضر را نخستین بار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه در انتشارات علمی با عنوان «نظریه ادبی» در سال ۱۳۹۱ منتشر کرده است.
عنوان دیگر : نظریه ادبی.
موضوع : نقد
موضوع : ادبیات ـ ـ تاریخ و نقد
شناسه افزوده : میرزا زاده، فاطمه، ۱۳۶۴ ـ
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۶ ن ۱۶ک/ PN۸۱
رده‌بندی دیویی : ۸۰۱/۹۵
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۳۹۶۷۳۱۶

www.ketab.ir

پارسیک

آشنایی با نظریه‌ی ادبی

عنوان اصلی: *Literary Theory*

نویسنده: دیوید کارتر
مترجم: فاطمه میرزا زاده
طراح جلد: سیاوش برادران
ویرایش: تحریریه‌ی پارسیک
نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۵
چاپ: توس
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شماره‌ی نشر: ۸
شابک: ۱-۹-۹۴۲۸۹-۶۰۰-۹۷۸

همه‌ی حقوق برای انتشارات پارسیک محفوظ است

انتشارات پارسیک ـ تهران ـ بزرگراه ستاری، بعد از بزرگراه حکیم، خیابان عزتی‌پور، شماره‌ی ۶ واحد ۱۰
کدپستی: ۱۴۷۱۸۳۶۸۳۷ تلفن: ۴۴۰۴۷۵۴۱ نمابر: ۴۴۰۰۳۰۰۷

پست الکترونیک: parsik@outlook.com

www.ketab.ir

یادداشت مترجم ۱۱

پیش‌گفتار ۱۳

آثار معتبر ادبی و نقد نو ۲۵

متیو آرنولد ۲۵

تی اس الیوت ۲۶

گزارش نیوبولت ۲۸

آی اِی ریچاردز ۲۸

ویلیام امپسون ۲۹

نقد نو ۳۰

مکتب شیکاگو ۳۳

اف آر لی‌وس و دی اچ لارنس [illegible]

فرمالیسم روسی [illegible]

مراحل سه‌گانه ۳۸

ویکتور شکلوفسکی ۳۸

نظریه‌های روایت ۳۹

یان موکاروفسکی ۴۱

مکتب باختین ۴۳

رومن یاکوبسن ۴۵

www.ketab.ir

ساخت‌گرایی ۴۹
فردینان دوسوسور ۵۰
نشانه‌شناسی ۵۱
سی اس پرس ۵۲
یوری لوتمان ۵۳
نظریه‌ی واجی ۵۴
روایت‌شناسی ساخت‌گرا ۵۶
ولادیمیر پراپ ۵۶
ای جی گرماس ۵۸
تزوتان تودوروف ۵۹
ژرار ژنت ۶۱
روطیقای ساخت‌گرایی ۶۳

نظریه‌ی مارکسیسم ۶۵
ماهیت تفکر مارکسیسم ۶۵
رئالیسم سوسیالیستی ۶۶
جورج لوکاچ ۶۷
برتولت برشت ۶۹
مکتب فرانکفورت ۷۰
تئودور آدورنو ۷۰
والتر بنیامین ۷۱
لوسین گلدمن ۷۲
لویی آلتوسر ۷۳
آنتونیو گرامشی ۷۵
پیر ماشری ۷۵
ریموند ویلیامز ۷۶
تری ایگلتون ۷۷
فردریک جیمسون ۷۹

تحلیل روان‌کاوانه ۸۱
ماهیت روان‌کاوی فرویدی ۸۱
ژاک لاکان ۸۴
روان‌کاوی خواننده محور ۸۷

www.ketab.ir

هارولد بلوم ۸۸
جولیا کریستوا ۸۹
کارل گوستاو یونگ ۹۰

هرمنوتیک و نظریه‌ی دریافت ۹۳
پدیدار شناسی ۹۳
هرمنوتیک ۹۶
هانس‌گئورگ گادامر ۹۷
ی دی هرش ۹۸
نظریه‌ی دریافت ۹۹
ولفگ‌نگ ایزر ۱۰۰
هانس‌روبرت یاس ۱۰۱
استنلی فیش ۱۰۱
مایکل ریفاتر ۱۰۲

نظریه‌ی فمینیسم ۱۰۵
موج اول ۱۰۶
ویرجینیا وولف ۱۰۶
سیمون دوبووار ۱۰۷
موج دوم ۱۰۷
کیت میلت ۱۰۸
ساندرا گیلبرت و سوزان گوبر ۱۰۹
الن شوالتر ۱۰۹
جولیا کریستوا ۱۱۰
الن سیکسو ۱۱۱
لوس ایریگاره ۱۱۲
روت رابینز ۱۱۲

پساساخت‌گرایی ۱۱۵
ماهیت پساساخت‌گرایی ۱۱۵
رولان بارت ۱۱۷
میشل فوکو ۱۲۱

www.ketab.ir

ساخت‌شکنی ۱۲۵
ژاک دریدا ۱۲۵
پل دومان ۱۲۹
جی هیلیس میلر ۱۳۱

نظریه‌ی پسا استعماری ۱۳۳
ادوارد سعید ۱۳۳
هومی بابا ۱۳۵
جی سی اسپیواک ۱۳۶

پست مدرنیسم ۱۳۹
ژان فرانسوا لیوتار ۱۴۱
فردریک جیمسون ۱۴۳

نظریات فمینیستی ۱۴۵
نظریه‌ی فمینیسم گینوکریتیک مردانه ۱۴۵
زیگموند فروید ۱۴۶
میشل فوکو ۱۴۶
آلن سینفیلد و جاناتان دالیمور ۱۴۷
نظریه‌ی هم‌جنس‌گرایی زنانه ۱۴۷
نظریه‌ی کوییر ۱۴۹
جودیت باتلر ۱۵۰
ایو کوزوسکی سجویک ۱۵۱

نظریه‌ی قومی ۱۵۳
هنری لوییس گیتس ۱۵۴
استوارت هال ۱۵۴
پل گیلروی ۱۵۵
نظریه‌ی فمینیسم سیاه ۱۵۵

گرایش‌های اخیر ۱۵۷
تاریخ‌گرایی نوین ۱۵۸
ماتریالیسم فرهنگی ۱۵۹
نقد تکوینی ۱۶۱

www.ketab.ir

زیبایی‌شناسی نوین ۱۶۱
نقد بوم‌شناختی ۱۶۲

نظریه و پس از آن ۱۶۵
اعتبار تفسیر ۱۶۶
برخی مسایل بنیادین ۱۶۷
مذاکره‌ی معنا ۱۷۰
تردید درباره‌ی نویسنده ۱۷۱
مشکلات ارزیابی ۱۷۳
آینده‌ی نظریه‌ی ادبی ۱۷۳

نمایه ۱۷۷

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

نظریه، چارچوبی تحلیلی و تفسیری است از مجموعه مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با یک‌دیگر که با هدف تبیین پدیده‌ها برساخته می‌شود. با این تعریف مباحث مربوط به نظریه‌ی ادبی، به عنوان حوزه‌ای با مرکزیت ادبیات که پیش‌فرض‌های سنت ادبی گذشته را مورد انتقاد قرار می‌دهد، از دهه‌ی شصت میلادی آغاز شد. در این دوران بود که رفته رفته مفهوم نظریه‌ی ادبی در مطالعه و آموزش ادبیات، هم به عنوان هدف و هم به مثابه ابزاری برای درک روش‌مند گستره‌ی وسیعی از آراء و نظرات ادبی و به طور کلی مفهوم ادبیات پدیدار شد. افزایش کمی و گستردگی واژگانی و اصطلاحی مربوط به حوزه‌ی نظریه‌ی ادبی در این دوران نیز نه ناشی از واژه سازی‌های بدون دلیل به منظور جایگزینی اصطلاحات رایج، بلکه ناشی از ظهور اندیشه‌های جدید و گوناگون با ابداع و چارچوب‌های تحلیلی و نظری متفاوتی بود که به خلق اصطلاحات جدید یا تغییر کاربرد اصطلاحات پیشین می‌انجامید.

کتاب حاضر تلاشی است در معرفی تنوع دیدگاه‌ها و البته اصطلاحات گوناگون موجود در حوزه‌ی نظریه‌ی ادبی و از این منظر مقدمه‌ای است بسیار فشرده بر گستره‌ی دانش نظریه‌ی ادبی. نویسنده‌ی کتاب، دیوید کارتر، خود استاد ادبیات و تاریخ فرهنگی استرالیا است و سابقه‌ی تدریس مطالعات ادبی، کتاب او را به درس‌نامه‌ای ارزشمند برای دانشجویان ادبیات و البته خوانندگان و علاقه‌مندان به این حوزه از مباحث ادبی تبدیل کرده است؛ به ویژه آن که در مقایسه با کتاب‌های دیگر این حوزه زبانی ساده و قابل درک را برای بیان مفاهیم گاه پیچیده و غامض فلسفی به کار برده است. ویژگی دیگر کتاب توجه آن به جزییات متفاوتی از مفاهیم و دیدگاه‌های متفکران کلیدی در هر رویکرد نظری است تا آن جا که کتاب

www.ketab.ir

را می‌توان به مثابه دایرةالمعارفی کوتاه اما جامع از نظریات ادبی نیز مورد مطالعه و استفاده قرار داد.

نویسنده در هر بخش ظهور هر نظریه را در ارتباط با نظریات پیش و پس از آن و در زمینه‌ای متاثر از تحولات فلسفی، سیاسی، فرهنگی و حتی گاهی با توجه به زمینه‌های اقتصادی مورد بررسی قرار داده است. از دید کارتر هر نظریه‌پرداز را اندیشه‌ی نظریه‌پردازی دیگر به تفکر و نظریه‌پردازی واداشته است و بنابر این در هر رویکرد، علاوه بر لحن توصیفی، لحن انتقادی یک یا چند چارچوب نظری دیگر را نیز می‌توان تشخیص داد. این رویکرد کتاب را به اثری کاربردی برای خوانندگان حرفه‌ای حوزه‌ی نظریه‌ی ادبی تبدیل کرده است.

[illegible] واژگانی که پیش‌تر به آن اشاره شد باعث شده است تا ترجمه‌ی یکسانی برای تمامی اصطلاحات موجود در کتاب وجود نداشته باشد. از سوی دیگر مترجمان و نویسندگان مختلف در کتاب‌های خود برای این نظریه‌ها، ابزارهای متفاوتی پیشنهاد داده‌اند. از این رو، رویکرد اصلی در انتخاب ترجمه‌ی عبارات در درجه‌ی اول رواج آن در کتاب‌های ترجمه شده بوده است. با این حال در برخی موارد که به عقیده‌ی مترجم معنای واژه از طریق ترجمه‌ی رایج به درستی انتقال نیافته، عبارات و اصطلاحات جدیدی پیشنهاد شده است. در ترجمه‌ی اسامی خاص نیز همین شیوه به کار رفته است.

فاطمه میرزا زاده

شهریور ماه ۱۳۹۴

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

در پنجاه سال اخیر، تغییر در نگرش‌ها در زمینه‌ی مطالعه و پژوهش ادبی تحولی در حد انقلاب را از سر گذرانده است. این تغییرات همواره در نیم قرن گذشته جریان داشته‌اند اما سرعت و تنوع در مسیر حرکت این جریان هیچ‌گاه مانند آن‌چه پس از جنگ جهانی دوم تا کنون شاهد آن بوده‌ایم، نبوده است. گرچه از عصر ارسطو تاکنون نویسندگان و منتقدان همواره در باب ماهیت ادبیات به بحث و تأمل پرداخته‌اند، در طول قرن بیستم معنا و مفهوم «متن ادبی» خود مورد پرسش و تردید قرار گرفت.

به عنوان یکی از دانشجویان رشته‌ی ادبیات در اروپای دهه‌ی ۱۹۶۰، من تنها اشارات مختصری از مفهوم «نظریه‌ی ادبی» از استادانم به خاطر دارم. البته از ژانرهای ادبی (تراژدی، رمان، غزل و غیره) نویسندگان و منتقدان نام برده می‌شد اما هر گونه اشاره به خواننده حقیقتا نادر بود. همه به راحتی از «قصد» نویسنده و «معنای» متن سخن می‌گفتند؛ حتی هنگامی که لازم به نظر می‌رسید ملاحظات مربوط به «پیشینه‌ی» زندگی خود نویسنده، «بافت تاریخی» و «فلسفی» اثر نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. علاوه بر این‌ها، فعالیت دیگری نیز در جریان بود که «نقد عملی» نامیده می‌شد و دپارتمان‌های ادبیات دانشجویان خود را ملزم به انجام آن می‌دانستند، گرچه هیچ‌گاه علت این کار و نحوه‌ی سودمندی آن در مطالعات‌مان برای ما توضیح داده نمی‌شد. تصور کلی بر این بود که اهمیت و فایده‌ی این گونه فعالیت بدیهی و روشن است. نمونه‌ای از یک متن ناآشنا انتخاب و سپس ترجمه می‌شد، به برخی از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی آن از جمله استعاره و تشبیه اشاره می‌شد و درباره‌ی معناها و دلالت‌های این آرایه‌ها گفت‌وگو می‌کردیم. همچنین اگر دانش پس

www.ketab.ir

زمینه‌ای درباره‌ی اثر وجود داشت مورد استفاده قرار می‌گرفت و این تقریبا تمام فعالیتی بود که انجام می‌شد. اگر این مراحل در شرایط امتحان نیز به خوبی طی می‌شد، شما علاوه بر قبولی در امتحان به کسانی هم که ممکن بود برای‌شان اهمیت داشته باشد ثابت کرده بودید که توانایی تحلیل و تفسیر ادبیات را در خود دارید. برخی نویسندگان بزرگ بودند و برخی نه چندان بزرگ، و تنها با توجه کافی به کلام اساتید، هر دانشجو کم‌کم می‌آموخت چه‌گونه این نویسندگان را تشخیص داده و از هم تفکیک کند. گاهی درباره‌ی «تحلیل روان‌کاوانه» و یا «رویکرد مارکسیستی» صحبت‌هایی شنیده می‌شد اما بیش‌تر مواقع لحنی که برای این اصطلاحات و مفاهیم به کار می‌رفت به کم اعتبار بودن این فعالیت‌ها اشاره داشت. اگر در آن زمان به قدر کافی خوش شانس می‌بودید، سرانجام با استادی برخورد می‌کردید که از ایده‌ها و چالش‌های جدید استقبال می‌کرد. هنگامی که من در اواخر دهه‌ی شصت دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودم، ناگهان تعدادی استاد و منتقد جوان و مشتاق وارد دانشگاه شدند و مفهوم و تعریف خود «متن ادبی» را مورد تردید و پرسش قرار دادند. به این ترتیب تمام بنیان‌های ساختار به دقت بنا شده‌ی دانش شروع به لرزش کرد. دیگر هیچ چیز قطعی و یا مقدس نبود. بیان نظرات درباره‌ی هر چیز، خصوصا اثر ادبی، بدون ارایه‌ی توجیه و دلیلی نظری به امری دشوار بدل شده بود. طبیعتا پرسشی که مطرح می‌شد این بود: «چرا به نظریه نیازمندیم؟». ممنون از شما اما مگر تا به حال برای مدتی چنین طولانی بدون وجود نظریه به خوبی از عهده‌ی تحلیل و تفسیر برنیامده‌ایم؟

چرا نظریه؟

در حقیقت مسئله‌ی اصلی که استادان، معماران و دیگر انسان‌های فانی این جهان قادر به درک آن نبوده و یا نسبت به درک و تایید آن تمایلی

نداشته‌اند، آن بود که اینان تمامی حیات بالغ خود را مشغول استفاده از نظریه بودند بدون آن که این مسئله را بدانند (درست همانند آقای ژوردان[1] در نمایش‌نامه‌ی نجیب *زاده‌ی بورژوای*[2] مولیر[3] که تا هنگامی که به او گفته می‌شود در تمام طول زندگی‌اش در حال صحبت به نثر بوده است متوجه این موضوع نبوده است). این امر چه‌گونه ممکن است؟ دلیلش به سادگی می‌تواند این باشد که هم «نظریه‌ی زنده» (نظریه‌ای که هنگام تصمیم‌گیری آگاهانه در نظر داریم) و هم «نظریه‌ی مرده» (نظریه‌ای که هنگام تصمیم‌گیری در پس مفروضات‌مان در نظر داریم اما این نظریه در عمل آن‌قدر مورد استفاده قرار گرفته که دیگر از وجود آن آگاه نیستیم) وجود دارند. تا زمانی بسیاری برای هرگونه بحثی در حوزه‌ی ادبیات، بدون آن که زحمت تحلیل پیش فرض‌های‌شان را به خود بدهند، از «نظریه‌ی مرده» استفاده می‌کردند. بنابر این پاسخ به پرسش «چرا نظریه؟» بسیار ساده است: زیرا آگاهی نسبت به دلیل انجام هر عمل بهتر و البته درست‌تر از جهل نسبت به آن است. اگر این نکته درباره‌ی تمام فعالیت‌های انسانی صادق باشد، دلیلی برای آن که حوزه‌ی مطالعات ادبی از این قاعده مستثنا باشد وجود ندارد.

از همین‌جا است که تعریف و معنای آن چه «نظریه» و «ادبیات» خوانده می‌شود دشوار می‌شود. اغلب منتقدان و نظریه‌پردازان با شجاعت با این مسئله روبه‌رو شده‌اند و دست و پنجه نرم کرده‌اند و در نهایت تسلیم شده و اظهار داشته‌اند که در هر صورت این مسئله چندان مهم نیست. برخی نظریه پردازان عامل رسیدن به این نتیجه هستند که در حقیقت نظریه‌ی ادبی به عنوان حوزه‌ای مستقل اصولا وجود خارجی ندارد. بسیاری دیگر ادعا می‌کنند که همه چیز «نظریه» است؛ نظریه درباره هر چیز، از ادبیات تا هم‌جنس‌گرایی، از اوباش گری تا فیلم‌های ترسناک.

1. Monsieur Jourdain
2. *Le Bourgeois Gentilhomme*
3. Moliere

www.ketab.ir

از آن جا که می‌توان کتاب‌های بسیاری را با عبارات «نظریه‌ی ادبی» و یا «نظریه‌ی ادبیات» در عنوان‌شان یافت، پیدا است که در نهایت مجموعه‌ای از اندیشه‌ها وجود دارند که می‌توان این عبارات را در موردشان به کار برد. نوعی نظریه هم وجود دارد که ادبیات محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد. روشن کردن این مسئله اهمیت فراوانی دارد زیرا انواع دیگری از نظریه از جمله «نظریه‌ی انتقادی» و «نظریه‌ی فرهنگی» نیز وجود دارند که بر همان نظریه پردازان و مکاتب فکری «نظریه‌ی ادبی» تکیه دارند. به وضوح تفاوت میان تمام این‌ها از جنس توجه و تمرکز است. واقعیت مشترک میان همه‌ی نظریه پردازان و مکاتب ادبی مطرح شده در این کتاب به تعابیر کشیدن «مفاهیم از پیش پذیرفته شده» درباره‌ی چیستی ادبیات است. این متفکران اغلب مفروضات ما درباره‌ی «ادبیات برتر و والا» را مورد پرسش قرار داده و روش‌های متفاوتی برای تحلیل و ارزیابی ادبیات ارایه می‌کنند. با این حال هر اظهار نظر کلی و مبهم درباره‌ی ادبیات (مثل «تمام ادبیات زرعی سرگرمی است») نظریه نیست. نظریه نیازمند ملاحظات و بررسی‌های دقیق‌تری است تا معتبر و با ارزش تلقی شود.

چه چیز نظریه محسوب می‌شود؟

روشن است که در گام نخست یک نظریه باید تلاشی در جهت شرح و توضیح مطلبی خاص باشد. ممکن است طرفداران حوزه‌ی نظریه به موفقیت آن در این زمینه باور داشته باشند اما دیگران نه. جاناتان کالر[1]، یکی از بزرگ‌ترین حامیان نظریه‌ی ادبی نماینده‌ی توانمندی در این زمینه مطرح کرده است: «. . . برای آن که هر توضیح یا تبیین نظریه محسوب شود، نه تنها باید بدیهی باشد بلکه باید پیچیدگی خاصی را نیز شامل شود.» (کالر،۱۹۹۷). متأسفانه بسیاری از نظریه پردازان نه تنها این حقیقت اولیه را تصدیق کرده بلکه با پذیرش بی چون و چرای آن از صمیم قلب ادراکات و بینش خود را نیز در پس زبانی مبهم مخفی می‌کنند. این مسئله

1. Jonathan Culler

www.ketab.ir

که دریافت بینشی تازه از هر موضوع تنها پس از درگیری پیچیده ذهنی حاصل می‌شود حقیقت دارد. ادبیات در تمامی صورش، درباره‌ی زندگی انسان‌ها، ماهیتش و مسایل آن، روش‌های حیات، طرق همزیستی، اسلوب اندیشه و سیستم‌های اعتقادی است. بنابر این هر نظریه‌ای در باب این پدیده‌ها می‌تواند در حوزه‌ی مطالعات ادبی قرار گیرد. با این حال استفاده‌ی واقعی از این نظریه‌ها فرآیندی بسیار پیچیده و پر مخاطره‌ای است که ممکن است هم استاد چیره دست و هم دانشجوی تازه کار را به چالش بکشد. تفسیر اشتباه، قیاس غلط، تعمیم بی اساس، استدلال و بحث‌های تقابلی دهنده بی معنا خطراتی است که در مسیر فعالیت یک منتقد ناآگاه وجود دارد. بنابراین، علاوه بر این که پیچیدگی جزء جدانشدنی ذات نظریه است اثبات یا رد یک نظریه نیز اغلب امری بسیار مشکل است. ممکن است نظریه‌ای بسیار قانع‌کننده به نظر برسد اما آیا امکان اثبات اعتبار و صحت آن نیز وجود دارد؟ و آیا تنها به دلیل قابل اثبات نبودن یک نظریه می‌توان منکر سودمندی و سودمندی‌های آن شد؟ و اثبات یا رد یک نظریه دقیقا شامل چه چیز می‌شود؟ سرانجام این که آیا قابل اثبات بودن و یا نبودن یک نظریه اصولا اهمیتی دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که پاسخ به آن‌ها حتی در حوزه‌های علمی‌تر چون فیزیک، جامعه شناسی، روان‌شناسی و رشته‌های دیگر نیز بسیار دشوار می‌نماید. درباره‌ی نظریه‌ی ادبی چه‌طور؟ به نظر می‌رسد منطقی است نخست به بررسی خود موضوع مورد مطالعه بپردازیم.

ادبیات چیست؟

به نظر می‌رسد از آن جا که بسیاری از نظریه پردازان در مرحله اول پدیده‌های دیگری غیر از ادبیات (روان‌کاوان ذهن بشر، مارکسیست‌ها حیات انسانی در جامعه‌ی کاپیتالیستی و غیره) را مد نظر داشته‌اند، ادبی بودن یا نبودن متن مورد مطالعه برای‌شان از اهمیت کم‌تری برخوردار بوده است. اغلب یک روش واحد برای تحلیل متونی که به یک‌دیگر شبیه‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که این متون هویتی متفاوت ازهم

داشته و باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. برای نمونه،، در این حوزه می‌توان متنی را متصور شد که به صورت داستان کوتاهی درباره‌ی اعتراف به قتل از دیدگاه اول شخص نوشته شده است و متنی دیگر که برگه‌ی امضا شده‌ی اعتراف به قتل یک قاتل واقعی است. این دو متن، زبان، ساختارو محتوای یکسانی دارند. تفاوت مهم البته آن است که خواننده می‌داند یکی از این متون داستان و دیگری اعترافی واقعی است و قضاوت او از این دو متن نیز بر اساس همین تفاوت میان آن‌ها است. در مورد متن داستانی، خواننده واقع‌گرا بودن و یا صحت و سقم گفتار شخصیت داستان را مد نظر قرار می‌دهد اما دلیلی برای پرسش درباره‌ی این که آیا این متن ما [illegible] معتبر هست یا نه و این که آیا دقیقا نوشته‌ی شخصی است که نامش [illegible] متن آمده، ندارد. در مورد اعتراف نامه‌ی اصلی اما امکان بررسی قانونی صحت و سقم اعترافات با استفاده از شواهد و مدارک وجود دارد. انجام همین عمل در مورد متن داستانی نه امکان پذیر و نه حتی لازم است. این تفکر خواننده به این دلیل است که او نسبت به ماهیت ادبی داستان واقف است. اما این کیفیت «ادبیت»[1] یک متن چیست و چه‌گونه این مفهوم چنین واضح به نظر می‌رسد؟

در مرحله‌ی اول به نظر می‌رسد تعریف مفهوم «ادبیت» اهمیت فراوانی دارد. اما نویسندگان کتاب‌های نظریه‌ی ادبی تعریفی جامع در این حوزه ارایه نکرده‌اند. این مسئله می‌تواند هم به دلیل ماهیت زبان و هم به دلیل ناتوانی نظریه پردازان از ارایه‌ی تعریفی جامع در این حوزه باشد. از سوی دیگر، نبود تعریفی واحد و قابل استفاده برای تحلیل آثار ادبی خود لزوما امر بدی نیست. بسیاری از واژه‌های مفید وقابل استفاده در هر زبان دقیقا به دلیل همین اشاره نکردن به امر یا شیئی خاص و قابل بیان طیفی از معانی و پدیده‌های مرتبط با یک‌دیگر است که کلماتی سودمند به حساب می‌آیند. ما بدون وجود واژگانی مانند «عشق»، «نفرت»، «اثر»، «فعالیت» و مهم‌تر از آن‌ها، «موسیقی»، «نمایش‌نامه»، «هنر» و غیره چه می‌کردیم؟ تمام چیزهایی که ممکن است آن‌ها را کنار یک‌دیگر در یک گروه قرار داده و

1. Literariness

برای‌شان از یکی از این واژگان استفاده کنیم همگی کلماتی هم خانواده هستند اما در عین حال یگانه و منحصر به فرد نیز هستند. اگر قرار بود برای هر تجربه‌ی بشری کلمه‌ای جداگانه داشته باشیم امکان برقراری ارتباط و گفت‌وگو با یک‌دیگر درباره‌ی این تجارب را از دست می‌دادیم. ما به واژه‌های «ادبیات» و «ادبی» که نشان دهنده‌ی نوعی هم خانوادگی و یا شباهت هستند، نیاز داریم تا بتوانیم درباره‌ی تفاوت‌های فردی با یک‌دیگر گفت‌وگو کنیم. بنابراین تمام تلاش‌ها در جهت تعریف ادبیات تاکنون تنها بخشی از این مفهوم را در بر گرفته و کاربرد عملی چندانی ندارد: بهترین آن تاکنون در اندیشه در آمده و بیان شده ازاین قرار است: زبانی که از تمام مرسوم مورد استفاده‌اش جدا شده باشد/ سامان‌دهی زبان در شکل خاص به نحوی که آن را از دیگر کاربردها و مصارفش متمایز سازد/ زبانی که برای خلق جهانی داستانی مورد استفاده قرار گرفته باشد. هیچ کدام از این تعاریف کافی و یا قابل استفاده نیستند زیرا هیچ کدام به طور خاص به زبان ادبی اشاره نمی‌کنند. برای نمونه، بیمار روانی نیز قادر است جهانی غیرواقعی و داستانی خلق کند.

علاوه بر این، معنای واژگان «ادبیات» و «ادبی» نیز در طول تاریخ تغییر کرده است. پیش از قرن هجدهم ادبیات به همه‌ی انواع نوشته‌ها از جمله تاریخ و فلسفه اشاره داشت. امروزه امکان بررسی و تحلیل کردن تغییرات تدریجی‌ای که در معنای این واژه پدید آمده است وجود دارد. این بررسی‌ها همگی به نتیجه‌ای اجتناب ناپذیر می‌انجامند: ادبیات هر آن چیزی است که یک جامعه در یک زمان خاص آن را ادبیات در نظر بگیرد. گرچه این استنتاج نتیجه‌ی خاصی در برنخواهد داشت اما بی‌تردید حقیقت دارد و در مورد حوزه‌های دیگر از جمله «موسیقی»، «نمایش‌نامه» و «هنر» نیز صحت دارد. هنگامی که بخواهیم تعریف خاص و روشنی درباره‌ی ادبیات به کار ببریم، خواهیم دید که این تعریف برخی از پدیده‌های غیرادبی را نیز در برخواهد گرفت اما در عین حال برخی از پدیده‌ها و آثار ادبی مشمول آن نخواهند شد. بخش عظیمی از ادبیات، داستانی و غیرواقعی است اما بسیاری عقیده دارند همه‌ی داستان ها لزوما

www.ketab.ir

ادبی نیستند. برای نمونه، می‌توان از کتاب‌های مصور، اشعار کودکان و پورنوگرافی نام برد. از سوی دیگر بسیاری از سفرنامه‌ها (انواع غیرداستانی آن) را بخشی از ادبیات در نظر می‌گیرند.

از این رو خواندن ادبیات همانند گرفتار شدن در یک توطئه است. ناشر و نویسنده با یک‌دیگر توطئه کرده و اثری را که نویسنده نوشته است منتشر می‌کنند. نویسنده سوگند می‌خورد که خود او این کتاب را نوشته و مطالب آن را از نویسنده‌ای دیگر (و یا در مورد داستان کوتاه خیالی‌ای که به آن اشاره شد، از سوابق و گزارش‌های پلیس) سرقت نکرده است. ناشر این اثر را همراه با آثاری دیگر در فهرستی مشخص با عنوان ادبیات منتشر می‌کند. سپس منتقدی کتاب را خوانده و با پذیرش آن به عنوان اثری ادبی در این توطئه شریک می‌شود. این منتقد با نوشتن نقدی بر اساس تجارب و ارزش‌هایی مشخص بر این اثر، «خوب» و یا «بد» بودن آن را تعیین خواهد کرد. اگر او منتقد خوبی باشد کیفیت نگارش، سبک اثر، ساختار آن، نحوه‌ی استفاده از زبان، بینش روان‌شناختی، انعکاس مسایل اجتماعی، طرح داستان و مواردی از این دست را مد نظر قرار خواهد داد. خواننده ی این نقد که به خرید این کتاب علاقه مند شده است آن را در فروشگاه کتاب در بخش کتاب‌های «ادبیات» و «داستانی» خواهد یافت. توصیه‌ی پشت جلد کتاب این واقعیت را که اثر رمان است، تایید خواهد کرد. خواننده سپس برای خواندن این اثر چشم‌انداز فکری مناسبی را که برای خوانش رمان در طول تحصیلش فرا گرفته است وارد این فرآیند می‌کند. اگر اثر را «خوب» بیابد آن را به دوستانش نیز توصیه خواهد کرد. به این ترتیب تمام افرادی که در این فرآیند سهیم بودند تلاش چیدند تا وجود این کتاب به عنوان اثری ادبی تایید کنند. پی‌بردن به این نکته که تعریف «ادبیات» و «ادبیات برتر و والا» در هر جامعه تابع زمان و امری قراردادی است، نظریه پردازان را قادر ساخته است تا درک بهتری از چه‌گونگی به وجود آمدن این قراردادها و یا امکان جایگزینی و تغییر آن‌ها به دست آورند. این نکته امکان مقایسه‌ی دقیق ادبیات با دیگر پدیده‌های اجتماعی

www.ketab.ir

و بررسی آن‌ها را در پرتو نظریه‌هایی که برای شرح این پدیده‌ها به وجود آمده بودند، فراهم ساخت.

هشدارهای خطر

در تفسیر ادبی، اشتباهی کوچک و یا نادیده گرفته شدن موضوعی هر چند جزیی باعث از بین رفتن و بی فایده شدن تفسیر خواهد بود. هر چه شوریدگی و جزن در آن بیش‌تر باشد، ضرورت وجود روش و قاعده در آن بیش‌تر خواهد بود. کارل پوپر[1]، فیلسوف انگلیسی، نخستین بار مفهوم «ابطال‌پذیری»[2] را به عنوان خصوصیتی برای هر نظریه‌ای که بخواهد واقعا علمی تلقی شود، به کار برد. این مفهوم ما را قادر می‌سازد تا علاوه بر علوم طبیعی بسیاری دیگر از حوزه‌های مطالعه و پژوهش را که در آن‌ها معیارهایی مشخص و دقیق برای سنجش درستی یافته‌ها به کار گرفته می‌شود، مشخص نماید. برای آن‌که یک نظریه حقیقتا علمی باشد باید قابلیت «ابطال‌پذیری» نیز داشته باشد. این بدان معنا است که هر نظریه باید دارای قابلیت پیش‌بینی شرایطی باشد که در آن امکان رد شدنش وجود داشته باشد. البته روی دیگر این مسئله آن است که باید امکان ارایه‌ی دلیل و مدرک برای اثبات صحت یک نظریه نیز به قدر کافی وجود داشته باشد. طالع بینی مثال روشنی از شبه علم و یا به عبارت دیگر شبه نظریه است. روشن است که امکان اثبات یا رد تاثیر صور آسمانی بر سرنوشت بشر وجود ندارد. البته این موضوع که طالع بینی قابلیت ابطال‌پذیری ندارد خود بسیاری را برای باور به آن ترغیب می‌کند. آن‌چه بسیاری از دانش عاجزند و یا حاضر به پذیرش آن نیستند آن است که مفهوم «ابطال‌پذیری» را می‌توان در حوزه‌ی تفسیر ادبیات و نظریه‌های ادبی نیز به کار برد.

تحلیل یک اثر ادبی با هر نظریه‌ای نیز نیازمند توجه دقیق به شواهد و مدارک است. حتی اگر پرسش آزاردهنده‌ی ادبی بودن یا نبودن شعر

1. Karl Popper
2. Falsifiability

www.ketab.ir

کودکانه‌ی *خانم مافت*[1] را کنار بگذاریم و برای این شعر کودکانه درباره‌ی خانمی که روی کپه‌ای نشسته بود و کشک و دوغش را می‌خورد و ناگهان عنکبوتی او را با وحشت از جا پراند، قابلیت تفسیر شدن در نظر بگیریم، اصولا می‌شود این نظریه را هم ممکن دانست که شعر در حقیقت انعکاسی از عادات غذایی فقرا در مناطق روستایی است. اکنون می‌توان از طریق مطالعه و پژوهش تاریخی دقیق این نظریه را اثبات و یا رد کرد. اصولا از طریق مطالعه و پژوهش تاریخی دقیق امکان اثبات یا رد این نظریه که این شعر بازتاب عادات غذایی روستاییان فقیر است وجود دارد اما اثبات یا رد صحت و اعتبار تفسیری ادبی که در آن ترس از عنکبوت در میان دختران روستایی در برهه‌ای خاص در انگلستان قرون وسطی را نمادی می‌داند از ترس آن‌ها از این که ممکن است غریبه‌هایی شرور به آن‌ها تجاوز کنند، عملا بسیار پیچیده‌ترخواهد بود.

در روایت‌هایی از تمام نظریاتی که در این کتاب شرح داده شده است تلاش خواهم کرد تا به بیان مشکلات و پیچیدگی‌های کاربرد این نظریات در ادبیات نیز بپردازم. ترتیب زمانی خاصی در نحوه‌ی چینش این نظریه‌ها وجود ندارد. گرچه در برخی موارد سعی در حفظ این ترتیب زمانی شده است. نظریاتی که به لحاظ منطقی و البته در بینش‌شان به نظریات پیش از خود وابسته‌اند، در فصل‌های متاخر کتاب شرح داده شده‌اند (پساساخت‌گرایی پس از ساخت‌گرایی، فمینیسم، پس از روان‌کاوی و غیره). در هشداری پایانی لازم می‌دانم که به خوانندگان یادآوری کنم تفسیر ادبیات بر اساس نظریه‌ی خاص خود امری قابل تغییر از سوی نظریه‌ای دیگر است و این روند تا ابد ادامه خواهد داشت. همان طور که پروفسور موریس زپ[2] در رمان *جهان کوچک*[3] دیوید لاج[4] در هجو عالمان ادبی می‌گوید: «هر رمزگشایی، رمزگذاری دیگر است.»

---

1. *Miss Muffet*
2. Morris Zapp
3. *Small World*
4. David Lodge

www.ketab.ir

یادداشتی بر قواعد درون متن

هنگامی که یک نقل قول همراه با نام نویسنده و تاریخ انتشار آن درون پرانتز مشخص می‌شود، نشان‌دهنده‌ی چاپی از آن اثر است که در فهرست کتاب‌شناسی به آن اشاره شده است. در مواردی که نام نظریه پرداز و یا منتقد به عنوان سرفصل مطلب مورد استفاده قرار گرفته است، اشاره به تاریخ‌های دقیق در حد امکان رعایت شده است. هنگامی هم که امکان دست‌یابی به تاریخی دقیق با قطعیت فراهم نشده باشد، این تاریخ‌ها حذف شده‌اند.

www.ketab.ir